



مجتمع آموزشی دانشگاه شیراز

دبستان دخترانه دانشگاه شیراز

پایه: پنجم	فارسی			نام درس			
روان خوانی و درک متن بازرگان و پسران				موضوع			
زمان: ۵۰ دقیقه		۲		فصل			
۱۴۰۰	۰۸	۲۲	تاریخ:	۳۷	الی	۳۴	صفحه
تهیه کننده: گروه آموزشی پنجم دبستان							

درس چهارم

پادزرگان و پسران



بازرگانی بود که سرمایه‌ی فراوانی داشت. او مردی با تجربه بود و از حوادث روزگار، بسیار چیزها آموخته بود. سال‌ها گذشت و بازرگان، صاحب چند فرزند شد. زندگی خوب و آرامی داشت و به آینده‌ی فرزندان خود می‌اندیشید. فرزندان هم در کنار مادر و پدر، فضای گرم و پُرمهری داشتند.

روزی پدر، فرزندان را گرد خود، جمع کرد و گفت: «امروز می‌خواهم به شما چیزی بگویم؛ دلم می‌خواهد خوب به آن‌گوش بدهید و در آینده از آن، استفاده کنید».

بعد سخنان خود را این‌گونه ادامه داد: «ای فرزندان، مردم، معمولاً برای رسیدن به این سه چیز تلاش می‌کنند: زندگی راحت، مقام بزرگ و پاداش نیک آخرت».

اما بچه‌های خوب، انسان‌ها، زمانی به این سه چیز می‌رسند که چند ویژگی را در زندگی خود
به کار گیرند:

- اندوختن مال از راه پسندیده و تلاش برای مراقبت از آن

- بخشش به دیگران

- محافظت از خود در برابر بلاها.

هر که در این چند خصلت، گاهلی بورزد، به مقصد نرسد. هر کس از کار و تلاش روی بگرداند، نه اسباب آسایش زندگی خود را می تواند فراهم کند و نه می تواند از دیگران مراقبت نماید. اگر مالی به دست آورد و در نگه داری آن غفلت ورزد، زود تهیدست شود. همچنان که اگر از کوه هم اندک اندک بردارند، چیزی از آن برجای نمی ماند.

هر که در اندوختن مال دنیا فقط برای خود تلاش کند، در ردیف چارپایان است؛ چون سگ گرسنه که به استخوانی، شاد شود و به پاره‌ای نان، خشنود گردد.

همچنین ای فرزندان، بکوشید به کسب هنر و فضیلت، که انسان ثروتمند و با هنر، اگر چه گمنام باشد و دشمن بسیار داشته باشد، به سبب عقل و هنر خویش در میان مردم، شناخته می‌شود. چنان که فروغ آتش را هر چه تلاش کنند کم شود، باز هم شعله ور می‌گردد.

شما هم ای فرزندان، به مقدار دانش و فهم خود، بکوشید خویش را به نیکویی بشناسانید. زیرا، دانه هنگامی که در پرده‌ی خاک نهان است، هیچ کس در پروردن آن تلاش نکند. چون سر از خاک بر آوزد و روی زمین را آراست، معلوم گردد که چیست. در آن حال، بی شک آن را پرورند و از آن بهره گیرند. پس اگر بی هنر و فضیلت باشید، از شما دوری جویند؛ چنان که موش، اگر چه با مردم هم خانه است، چون موزی است، او را از خانه بیرون اندازند و در هلاک آن کوشند».

باز نویسی از « کلیلہ و دمنہ »، باب دوم: شیر و گاو، با کاهش 

معنی جمله های دشوار

بازرگانی بود که سرمایه ی فراوانی داشت. او مردی با تجربه بود و از حوادث روزگار، بسیار چیزها آموخته بود.

بازرگانی بود که سرمایه ی فراوانی داشت. او مردی با تجربه بود و از حوادث

روزگار، بسیار چیزها آموخته بود.

معنی:

او مردی با تجربه بود و از اتفاقات و پیشامدهای روزگار، تجربه های بسیاری را یاد گرفته بود.

بازرگان: تاجر

حوادث: رویدادها، حادثه ها (جمع حادثه)

فضای گرم و پرمهری داشتند.

فضای گرم و پُرمهری داشتند.

معنی:

جمع صمیمی و با محبتی داشتند.

✓ اندوختن مال از راه پسندیده و تلاش برای مراقبت از آن

✓ بخشش به دیگران

✓ محافظت از خود در برابر بلاها.

✓ اندوختن مال از راه پسندیده و تلاش برای مراقبت از آن

✓ بخشش به دیگران

✓ محافظت از خود در برابر بلاها.

معنی:

✓ جمع آوری و ذخیره مال و ثروت از راه درست و شایسته و کوشش برای نگه داری آن ها

✓ بخشیدن مال به دیگران

✓ در برابر سختی ها و آسیب ها ، از خود مواظبت کردن.

اندوختن : جمع کردن، ذخیره کردن

هر که در این چند خصلت، گاهلی بورزد، به مقصد نرسد. هر کس از کار و تلاش روی بگرداند، نه اسباب آسایش زندگی خود را می‌تواند فراهم کند و نه می‌تواند از دیگران مراقبت نماید.

هر که در این چند خصلت، گاهلی بورزد، به مقصد نرسد. هر کس از کار و تلاش روی بگرداند، نه اسباب آسایش زندگی خود را می‌تواند فراهم کند و نه می‌تواند از دیگران مراقبت نماید.

معنی:

هر کس در این چند ویژگی، تنبلی کند به هدف و آرزویش نمی‌رسد. هر کس که نسبت به کار و تلاش، بی توجه باشد، نمی‌تواند وسایل آرامش و راحتی خودش را فراهم کند و همچنین نمی‌تواند از دیگران مراقبت کند.

روی بگرداند: برگردد، پشیمان شود

مقصد: قصد، نیت

گاهلی بورزد: تنبلی کند

مراقبت: نگهداری

اسباب: وسایل، لوازم

**اگر مالی به دست آورد و در نگهداری آن غفلت ورزد، زود تهی دست شود.
همچنان که اگر از کوه اندک اندک بردارند، چیزی از آن بر جای نمی ماند.**

**اگر مالی به دست آورد و در نگهداری آن غفلت ورزد، زود تهیدست شود.
همچنان که اگر از کوه اندک بردارند، چیزی از آن بر جای نمی‌ماند.**

معنی:

اگر مال و ثروتی را به دست بیاورد و در مواظبت از آن، بی توجهی کند، به زودی فقیر و بی چیز می‌شود، همان طوری که اگر از کوه به این بزرگی، تکه تکه بردارند، در نهایت، کوه هم تمام می‌شود و چیزی از آن باقی نمی‌ماند.

غفلت ورزد: بی توجهی کند

تهیدست: فقیر

نکته ادبی: در این عبارت، منظور از کوه، همان «مال» است که اگر از آن برداشته شود، کم می‌شود.

نکته مفهومی: این عبارت، بر هزینه کردن «= خرج کردن» درست و تلاش و کوشش، تأکید می‌کند.

هر که در اندوختن مال دنیا فقط برای خود تلاش کند، در ردیف چارپایان است.

هر که در اندوختن مال دنیا فقط برای خود تلاش کند، در ردیف چارپایان است.

معنی:

هر کسی فقط به فکر خودش باشد و فقط برای خودش، مال و ثروت ذخیره کند، مانند حیوانات است.

چارپایان: حیواناتی که دو دست و دو پا دارند

همچنین ای فرزندان، بکوشید به کسب هنر و فضیلت، که انسان ثروتمند و با هنر، اگر چه گمنام باشد و دشمن بسیار داشته باشد، به سبب عقل و هنر خویش در میان مردم، شناخته می‌شود.

همچنین ای فرزندان، بکوشید به کسب هنر و فضیلت، که انسان ثروتمند و با هنر، اگر چه گمنام باشد و دشمن بسیار داشته باشد، به سبب عقل و هنر خویش در میان مردم، شناخته می‌شود.

معنی:

ای فرزندان من، در بدست آوردن هنر و برتری، تلاش کنید؛ زیرا انسان ثروتمند و هنرمند اگرچه معروف نباشد و دشمنان فراوان هم داشته باشد، به دلیل داشتن عقل و هنر، در بین مردم، معروف و مشهور می‌شود.

فضیلت: نیکویی، برتری

کسب: بدست آوردن

بکوشید: سعی کنید، تلاش کنید

شناخته: در این درس به معنی معروف

گمنام: بی نام و نشان

چنان که فروغ آتش را هر چه تلاش کنند کم شود، باز هم شعله‌ور می‌گردد.

چنان که فروغ آتش را هر چه تلاش کنند کم شود، باز هم شعله‌ور می‌گردد.

معنی:

آن طوری که روشنایی آتش را هر چقدر تلاش بکنند که کمتر بشود باز هم آتش شعله‌ور و بیشتر می‌شود.

فروغ: روشنایی

همان طوری که آتش را نمی‌توان کم کرد یا مخفی کرد، انسان مشهور همیشه، سرشناس خواهد بود.

نکته
مفهومی

**شما هم ای فرزندان، به مقدار دانش و فهم خود، بکوشید خویش را به نیکویی
بشناسانید.**

شما هم ای فرزندان، به مقدار دانش و فهم خود، بکوشید خویش را به نیکویی بشناسانید.

معنی:

ای فرزندان من، شما هم به همان اندازه ی آگاهی و درک خودتان، تلاش کنید که خودتان را با کارهای خوبی که انجام می دهید، معروف کنید.

نیکویی: خوبی، پسندیده بودن

زیرا، دانه هنگامی که در پرده ی خاک نهان است، هیچ کس در پروردن آن
تلاش نکند.

زیرا، دانه هنگامی که در پرده ی خاک نهان است، هیچ کس در پروردن آن تلاش نکند.

معنی:

زیرا تا وقتی که دانه در درون خاک پنهان باشد هیچ کسی آن را پرورش نمی دهد.

پروردن: پرورش دادن، تربیت کردن

نهان: پنهان، مخفی

چون سر از خاک بر آورد و روی زمین را آراست. معلوم گردد که چیست. در آن حال، بی شک آن را پیرو روند و از آن بهره گیرند.

چون سر از خاک بر آورد و روی زمین را آراست. معلوم گردد که چیست. در آن حال، بی شک آن را پیرورنند و از آن بهره گیرند.

معنی:

وقتی که (آن دانه) رشد کند و بروید و سطح زمین را زیبا کند و مشخص شود که چه چیزی است، در آن زمان، حتماً آن (دانه) را پرورش می دهند و از آن استفاده می برند.

آراست: زینت داد، زیبا کرد

بهره گیرند: استفاده ببرند

معلوم: مشخص، معین

همان طوری که دانه اگر در دل زمین بماند کسی به او توجه نمی کند، اگر انسان خودش را نشان ندهد، کسی به او توجه نمی کند.

نکته
مفهومی

پس اگر بی‌هنر و فضیلت باشید، از شما دوری جویند.

پس اگر بی‌هنر و فضیلت باشید، از شما دوری جویند.

معنی:

اگر به دنبال هنر و برتری و کارهای خوب نروید؛ مردم از شما فاصله می‌گیرند.

چنان که موش، اگرچه با مردم هم خانه است، چون مودی است، او را از خانه بیرون اندازند و در هلاک آن کوشند».

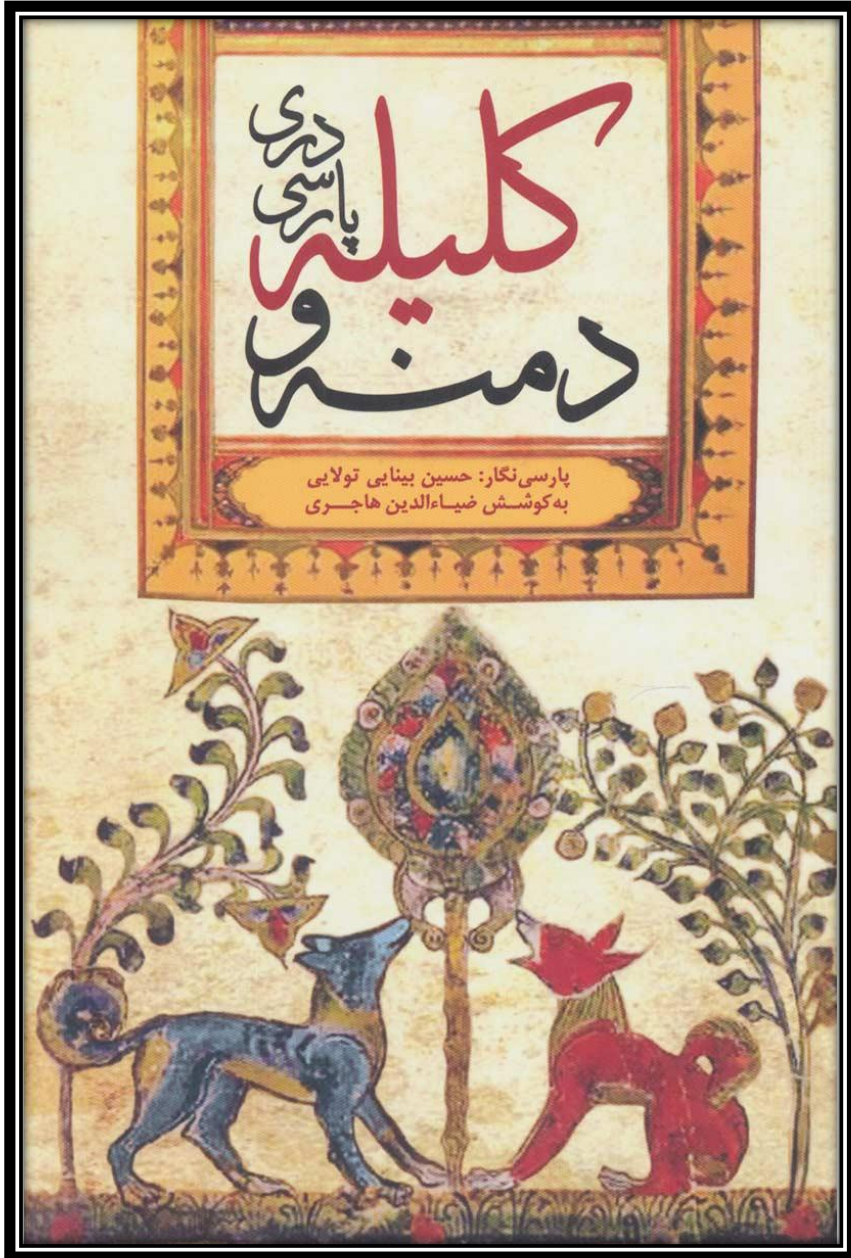
چنان که موش، اگرچه با مردم هم خانه است، چون موذی است، او را از خانه بیرون اندازند و در هلاک آن کوشند».

معنی:

آن طور که موش اگرچه در خانه ی انسان ها زندگی می کند، چون آزار دهنده است، او را از خانه بیرون می کنند و تلاش می کنند که آن (موش) را بکشند.

موذی: آزار دهنده، اذیت کننده هلاک: نابود کردن، از بین بردن

نکته مفهومی: انسان بی هنر مانند موش موذی است که ارزشی ندارد.



ابوالمعالی نصرالله منشی

معرفی کتاب کلیله و دمنه

اصل کتاب «**کلیله و دمنه**» هندی و به زبان سانسکریت است و «پنچانترا» یعنی پنج کتاب یا پنج پند دارد. نام مؤلف کتاب مشخص نیست. در حدود سال ۵۳۹ هجری قمری نیز ابوالمعانی نصرالله بن عبدالحمید منشی کلیله و دمنه را از عربی به فارسی برگرداند.

از منظر این کتاب، انسان مطلوب کسی است که سرشار از عشق به زندگی، تحرک و پویایی باشد و با درایت از عهده حل مشکلات بر آید، تا می تواند در رویارویی با خطرهای هوشمندی خود را به کار گیرد و آسان اما سربلند از ماجرا بیرون آید، از هر واقعه تجربه ای بیندوزد و در واقعه بعدی، آن تجربه را به کار گیرد.

نام این کتاب از نام دو شغال به نام های «**کلیله**» و «**دمنه**» گرفته شده است و بخش بزرگی از کتاب، اختصاص به داستان این دو شغال دارد.

واژه های جدید

فروغ: روشنایی، پرتو نور
فضیلت: نیکویی، برتری
کاهلی: تنبلی، سستی
مراقبت: نگه داری
موذی: موجود مزاحم، آزار دهنده
هلاک: نابود کردن، از بین بردن

اندوختن: جمع کردن، ذخیره کردن
بهره گیرند: سود ببرند، استفاده کنند
حوادث: رویدادها، حادثه ها
خصلت: ویژگی، عادت
روی بگرداند: برگردد، پشت کند
غفلت ورزیدن: توجه نکردن

درست و نادرست



اگر خود را شناسانید، همانند دانه‌ای هستید که در خاک نهان است.

درست و نادرست



اگر خود را شناسانید، همانند دانه‌ای هستید که در خاک نهان است. **درست**

هر که در اندوختن مال دنیا تلاش کند، به جایگاه بزرگی دست می‌یابد.





هر که در اندوختن مال دنیا تلاش کند، به جایگاه بزرگی دست می‌یابد.

نادرست

هنرمند به سبب عقل خود در میان مردم شناخته می‌شود.



هنرمند به سبب عقل خود در میان مردم شناخته می‌شود. **درست**



زمانی که دانه در خاک نهان است، همه برای پرورش آن تلاش می کنند.



زمانی که دانه در خاک نهان است، همه برای پرورش آن تلاش می کنند.

نادرست



درک مطلب



۱ به نظر بازرگان ، مردم در جست و جوی چه چیزهایی هستند؟



درک مطلب



به نظر بازرگان ، مردم در جست و جوی چه چیزهایی هستند؟



- مردم جویای سه چیزند:
- ۱- زندگی راحت
 - ۲- مقام بزرگ
 - ۳- پاداش نیک آخرت

اندک اندک از کوه برداشتن، شبیه چه کاری است؟




اندک اندک از کوه برداشتن، شبیه چه کاری است؟



اندک اندک از کوه برداشتن همانند کسی است که مالی را بدست می آورد و در نگهداری آن توجهی ندارد.

۳ کدام ویژگی‌ها را در زندگی به کار بگیریم تا به زندگی راحت و پاداش نیک آخرت

برسیم؟

کدام ویژگی‌ها را در زندگی به کار بگیریم تا به زندگی راحت و پاداش نیک آخرت 

برسیم؟

- ۱- اندوختن مال از راه پسندیده و تلاش برای مراقبت از آن
- ۲- بخشش به دیگران
- ۳- محافظت از خود در برابر بلاها.

بازرگان مثال دانه و خاک را برای تشویق فرزندان به چه کاری، مطرح کرد؟



بازرگان مثال دانه و خاک را برای تشویق فرزندان به چه کاری، مطرح کرد؟



شناساندن خود به مردم به نیکویی و نیک نامی



از متن درس سوال طرح کنید .
دقت کنید سوال ها دارای پاسخ بلی یا خیر نباشند.



مثال:
بازرگان مثال موش را برای چه کاری مطرح کرد؟

دانش زبانی (خوب گوش دادن)

بارها از زبان آموزگارتان شنیده اید: «بچه ها، خوب گوش کنید.»

آیا تاکنون از خودتان سؤال کرده اید که « شنیدن » و « گوش دادن » چه فرقی با هم دارند؟



دانش زبانی (خوب گوش دادن)

گاهی، صداهایی به گوش ما می رسد و ما به آن ها توجهی نداریم اما با گوش خود، صداها را حس می کنیم. به این کار «**شنیدن**» می گویند. وقتی آموزگار از شما می خواهد که به سخنانش گوش بدهید، هدف آموزگار این است که به سخنان او توجه کنید و یاد بگیرید. در اینجا کار شما «**گوش دادن**» است.

خوب گوش دادن، یعنی یک شخص با میل و اراده ی خودش به یک صدا دقت می کند و از میان دیگر صداها، فقط آن را انتخاب می کند. از آن صدا چیزهایی یاد می گیرد و اگر لازم باشد به آن پاسخ می دهد. **بنابراین، خوب گوش دادن، یک مهارت است و به تمرین زیاد نیاز دارد.** ما بخشی از سواد و آگاهی های خود را از راه «**گوش دادن**» به دست می آوریم؛ بنابراین، باید بیشتر از آنچه حرف می زنیم، گوش بدهیم؛ زیرا «**یک زبان داریم و دو گوش**»

دانش زبانی (خوب گوش دادن)

شنیدن با مهارت **گوش دادن** فرق دارد چون فرد در شنیدن به طور ناخواسته جمله را می شنود و هیچ توجهی به آن ندارد اما گوش دادن انسان به طور ارادی و با دقت به سخنان گوینده توجه می کند و می کوشد آنها را درک کند و به آنچه می شنود اهمیت می دهد.

در شنیدن **دقت** و **توجه** لازم نیست هدف مهمی از شنیدن دنبال نمی شود، گوش دادن، از میان صداهای اطراف یک صدا انتخاب شده و به آن دقت می شود و از این دقت هدف دارید مثلا آموختن چیزی یا پاسخ دادن و . . خوب گوش دادن مهارتی است که هم تمرین می خواهد و هم بخشی از سواد و دانش ما از خوب گوش دادن به دست می آید خوب گوش دادن یعنی شخص با میل و اراده‌ی خودش به یک صدا دقت می کند و از آن صدا چیزهایی یاد می گیرد و پاسخ می دهد.



خوب گوش دادن

یکی از راه‌های درست فهمیدن و درک سخن دیگران، خوب گوش دادن است. گوش دادن با شنیدن فرق دارد. هم اکنون که در کلاس نشسته‌اید؛ صداهایی از بیرون به گوشتان می‌آید؛ این « شنیدن » است.

اما از میان همه‌ی صداها فقط به صدای آموزگار عزیزتان، توجه می‌کنید؛ این « گوش دادن » است. وقتی به صدایی گوش می‌دهید؛ یعنی با آگاهی و خواست خود به آن دقت می‌کنید و آن را از میان دیگر صداها انتخاب می‌کنید؛ از آن چیزهایی می‌آموزید و اگر لازم شد به آن پاسخ می‌دهید.

خوب گوش دادن، یک مهارت است و به تمرین زیادی نیاز دارد. ما بخشی از سواد و دانش خود را از راه « خوب گوش دادن » به دست می‌آوریم.

بیشتر از آنچه حرف می‌زنیم باید گوش بدهیم؛ زیرا «یک زبان داریم و دو گوش».

گوش کن و بگو

در این فعالیت با دو مهارت زبانی، روبه رو هستیم. عنوان این قسمت، خود گویای دو فعل و عمل زبانی **گوش دادن** و **سخن گفتن** است. در حقیقت، دو مهارت با هم مورد آموزش و ارزش قرار می گیرد **گوش دادن** پیش درآمد و مقدمه ی خوب **سخن گفتن** است و فن بیان و سواد شنیداری را پرورش می دهد. علاوه بر تقویب تمرکز و دقت و حافظه شنیداری، دانش آموزان را با ضرب المثل به عنوان جملاتی کوتاه حاوی پیام و نصیحت آشنا می کند.